

بحران هویت در رشته مدیریت دولتی: چالشها و پاسخها

ابوالحسن فقیهی *

محسن علیزاده ثانی ** !!

چکیده

بخش قابل توجهی از مطالعات دانشگاهی در حوزه مدیریت دولتی به بحرانهای فکری در این رشته اختصاص یافته است. این بحرانها ناشی از بحثهای مختلفی است که عموماً تحت عنوان بحران هویت مطرح می‌شوند و مشکلات و چالشهای بنیادینی را در مفهوم‌سازی دانش در حوزه دولت موجب شده‌اند. با اینکه واژه دانش، لغت باب روز مدیریت دولتی شده، بحثهای معاصر بیانگر درک ضعیف از چگونگی ایجاد و اعتبار بخشی دانش در این رشته است. بنابراین پژوهشگران مدیریت دولتی تلاشهای بسیاری کرده‌اند تا پاسخهای مناسبی به بحران هویت رشته مدیریت دولتی ارائه دهند. این مقاله با بهره‌گیری از روشهای تولید دانش در ساختارهای علمی، بدنبال دسته‌بندی و بررسی این پاسخها است و نهایتاً بدین نتیجه می‌رسد که راه‌حلهای مبتنی بر دانش فرا رشته‌ای در مدیریت دولتی که بر مبنای درک نظری مشترک، تعامل شناخت‌شناسیهای رشته‌ای و درک ماهیت زندگی و سطوح پیچیده واقعیت‌های آن قرار دارد، می‌تواند چارچوب مناسبی برای هویت بخشیدن به رشته مدیریت دولتی ایجاد کند.

مفاهیم کلیدی: مدیریت دولتی - هویت - پارادیم - دانش فرارشته‌ای

* - استاد مدیریت دولتی

** - کاندیدای دکتری مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

بخش اعظم تاریخ فلسفه علوم اجتماعی با این سؤال مهم مواجه بوده است که آیا نظریه‌های علوم اجتماعی می‌توانند "علمی" باشند؟ بنابراین دانشمندان علوم اجتماعی از نظر تاریخی همواره در پی طرح این ادعا بوده‌اند که ردای علم به تن علوم اجتماعی برانزده است و الگوی پژوهشهای خود را از علوم طبیعی به عاریت می‌گرفتند. در نتیجه، فلسفه علوم اجتماعی بطور سنتی بر ارزیابی توفیق علوم اجتماعی در بکارگیری این الگوها بوده است، یعنی ارزیابی اینکه علوم اجتماعی از چه جهاتی شبیه علوم طبیعی است و از چه جهاتی متفاوت است. اگرچه این نگرش، بصیرتها و بینشهای مهمی به پژوهش درباره انسانها بخشیده است (فی^۱، ۱۳۸۴: ۹) ولی سلطه پارادایم اثبات‌گرایی بر علوم اجتماعی بویژه در اواسط قرن بیستم و عدم کفایت آن در توضیح رفتار اجتماعی موجب شد تا امروزه بر این پارادایم انتقادات عمده‌ای همچون در نظر نگرفتن بسترهای فرهنگی و تاریخی، نقش ارزشها و نیات درونی افراد و عدم توجه به مباحث زیباشناختی وارد شود و فیلسوفان علوم اجتماعی و علاقمندان به این علوم در جستجوی نگرشهای دیگری هستند که بتوانند با زمینه‌های فرهنگی و فکری جاری تناسب بیشتری داشته باشند. نظریه اداری نیز از این قاعده مستثنی نیست بگونه‌ای که در دهه‌های گذشته شاهد توجه روزافزون به بررسی و زیر سؤال بردن پیش‌فرضهای هنجاری و زیربنایی تفکر و عمل اداری معاصر بوده‌ایم.

از آغاز پیدایش رشته مدیریت دولتی تاکنون، بحثها و چالشهای فکری بسیاری برای پژوهشگران و دانشجویان این رشته مطرح شده است که برخی از این چالشها عبارتند از: آیا رشته مدیریت دولتی صرفاً ترکیبی ساده از سایر رشته‌های مستقل دانشگاهی همچون اقتصاد، روانشناسی و جامعه‌شناسی است؟ آیا مدیریت دولتی گرایشی فرعی از سایر رشته‌ها است یا اینکه به عنوان رشته‌ای مستقل محسوب می‌شود؟ اگر رشته‌ای مستقل است، محتوای آن چیست؟ چگونه می‌توان نتایج پژوهشهای انجام شده توسط پژوهشگران مختلف این رشته را به صورت بدنه‌ای منسجم و یکپارچه از دانش درآورد؟ آیا مدیریت دولتی صرفاً یک حرفه است و نه رشته‌ای دانشگاهی؟ آیا با تسلط یافتن سیستمهای بازار محور و خصوصی‌سازی در جوامع، نیاز به وجود سازمانهای دولتی و رشته مدیریت دولتی کاهش می‌یابد؟

این سؤاها و دهها سؤال دیگر توسط پژوهشگران و دانشجویان رشته مدیریت دولتی مطرح شده و هر یک بگونه‌ای سعی کرده‌اند به چالشهای یاد شده پاسخ دهند. می‌توان گفت دانشجویان مدیریت دولتی از یک سو با این پرسشها و از سوی دیگر با انبوهی از پاسخهای مختلف مواجهند که اغلب این پاسخها نیز موجب شکل‌گیری چالشها و پرسشهای بیشتری می‌شوند. این مقاله سعی دارد با مرور بحرانهای مطرح شده و بررسی پاسخهای ارائه شده در رشته مدیریت دولتی، دسته‌بندی مناسبی برای درک آنها ارائه کند و در نهایت پاسخهایی را که متناسب با نیازهای عصر حاضر است، مورد بحث قرار دهد.

تاریخچه رشته مدیریت دولتی

اداره امور دولتی دارای پیشینه‌ای طولانی است که به موازات مفاهیم تمدن و دولت ظهور یافته است. نظامهای کهن اداره، شخصی بودند و به جای اینکه بر قانون و وفاداری به سازمان و حکومت استوار باشند به فردی خاص مانند پادشاه یا وزیر وفادار بودند. ماهیت این نظامها اغلب با فساد و سوءاستفاده عجین بود (هیوز^۲، ۱۳۸۰: ۳۹-۳۶). مشکلات ذاتی اداره به سبک کهن، نهایتاً منجر به ایجاد تغییراتی در اواخر قرن نوزدهم شد و متعاقب آن اصلاحاتی در الگوی اداره امور دولتی سنتی پدید آمد.

بررسی روندهای اولیه در شکل‌گیری مطالعه مدیریت دولتی دو جریان فکری جالب و تا حدی متناقض را آشکار می‌کند. یک دیدگاه بر مسائل هنجاری نظیر انصاف، آزادی و مسئولیت‌پذیری در فرآیند فعالیتهای دولت تأکید داشت. دیدگاه دیگر معتقد بود بعد از آنکه تصمیمات به شیوه دموکراتیک اتخاذ شدند، اجرای آنها توسط مدیریت دولتی باید بر مبنای همان فنون مدیریتی باشد که در بخش خصوصی استفاده می‌شود. نماد دیدگاه دوم، نظریه جدایی سیاست- اداره است (دنهارت^۳، ۱۳۸۰: ۷۴) که مبنای آن مقاله وودرو ویلسون^۴ (۱۸۸۷) بود. ویلسون در اثر مشهورش تحت عنوان "مطالعه اداره"، نه تنها این نکته را مطرح کرد که اداره باید جدای از سیاست باشد بلکه مدیریت بازرگانی را مدل مناسبی برای سازمانهای دولتی می‌دانست. همزمان با بحث جدایی سیاست- اداره توسط ویلسون، ماکس وبر^۵ آلمانی نیز تحلیل مفهوم بوروکراسی را مطرح کرد. بنابراین

الگوی سنتی اداره امور دولتی بر مبنای سیستمهای وبری/ویلسونی، دارای دو پایه نظری اصلی بود: الگوی بوروکراتیک اداره و جدایی سیاست - اداره (پیترز^۶، ۲۰۰۳: ۹). آنچه امروزه شکل سنتی اداره امور دولتی نام گرفته، بدون تردید نسبت به وضعیت پیش از آن پیشرفت شایانی بوده است. ولی در دهه‌های گذشته، نارسائی‌های آن آشکار و با چالشهای متعددی مواجه شد و برخی از پژوهشگران مدیریت دولتی در مقابله با این موضع که سازمان بوروکراتیک، عقلانی‌ترین شکل سازمان اجتماعی است، به نقد تعقل ابزاری و معادل قرار دادن تعقل‌گرایی و کارایی پرداختند و آنرا باعث ایجاد ساختارها و رفتارهای متضاد نسبت به هنجارهای اصلی جامعه دموکراتیک بر شمردند (هارمون^۷، ۱۹۸۶).

در پاسخ به نارسائی‌های مدل سنتی اداره امور دولتی دو رویکرد نوین در بخش دولتی ظهور کرد. این دو رویکرد عبارت بودند از: اداره امور دولتی نوین^۸ و مدیریت دولتی نوین^۹، که اغلب به اشتباه با هم مشابه در نظر گرفته می‌شوند در حالی که مبانی فکری بسیار متفاوتی با یکدیگر دارند (هندرسون^{۱۰}، ۲۰۰۵: ۲۷۱).

رویکرد اول (اداره امور دولتی نوین) با کنفرانسی که در اواخر سال ۱۹۶۸ در مرکز کنفرانس مینوپروک^{۱۱} دانشگاه سیراکیوز^{۱۲} برگزار گردید، آغاز شد. هدف این کنفرانس گردهمایی دانشمندان جوان در حوزه مدیریت دولتی بود تا رویکردها و دیدگاههای خود را در زمینه‌های بوروکراسی، دموکراسی و جهتگیری آموزش مدیریت دولتی مورد بحث و بررسی قرار دهند. مقالات و نظرات ارائه شده در کنفرانس مذکور به وسیله فرانک مارینی^{۱۳} جمع‌آوری و تحت عنوان "به سوی اداره دولتی نوین" منتشر شد. اگرچه موضوعات خاصی بر کنفرانس مینوپروک حاکم بود و بسیاری از موضوعات مطروحه بر ارزشهای برابری اجتماعی و مشارکت تأکید داشتند، هیچ‌گونه رویکرد خاصی برای درک سازمانهای دولتی مطرح نشد تا الگوی موجود درون حوزه را مورد چالش قرار دهد (دنهارت، ۱۳۸۰: ۱۷۵-۱۷۳).

رویکرد دوم (مدیریت دولتی نوین) را نیز می‌توان احیای مدیریت‌گرایی سنتی - مدیریت علمی تیلور - دانست که به شدت تحت تأثیر دکترین اقتصاد نهادگرای جدید^{۱۴} می‌باشد (آکوئین^{۱۵}، ۱۹۹۰). ایده کلی آن، مهار کردن سوء عملکرد و رشد غیرقابل کنترل بوروکراتیک در بخش عمومی از طریق خصوصی‌سازی، برداشتن یارانه‌ها، بازارگرایی،

مصرف‌گرایی و عدم تمرکز است (گلدسمیت و پیچ^{۱۶}، ۱۹۹۷: ۱۴۷). همچنین در این رویکرد، به بوروکراتهای دولتی به چشم مشکل و نه راه حل نگریسته می‌شود (ساواس، ۱۹۸۷).

تداوم و گسترش مدیریت دولتی نوین در دو دهه اخیر، موجب پیدایش تردیدها و پرسشهایی برای پژوهشگران و کارگزاران مدیریت دولتی شده است و وارد کردن ارزشهای اقتصادی تجارت و بازار به درون فعالیتهای دولت توسط انتقادات بسیاری مورد چالش قرار گرفته است. از مهمترین این انتقادات، مبحث حکمرانی می‌باشد که حداقل حدود ۱۵ سال است که به عنوان موضوعی مهم در مدیریت دولتی مطرح شده است (فردریکسون، ۲۰۰۴: ۱) و بر نقش جامعه مدنی و ارزشهای دموکراتیک تأکید بیشتری دارد.

بحران هویت در رشته مدیریت دولتی

همزمان با تکامل رشته مدیریت دولتی، بخش قابل توجهی از ادبیات دانشگاهی آن به انواع بحرانهای فکری اختصاص یافته که در حقیقت ناشی از بحثهای مختلفی است که عموماً تحت عنوان بحران هویت مطرح شده‌اند. این مباحث را می‌توان حداقل از شش جنبه مورد توجه قرار داد که عبارتند از: (۱) نحوه تکوین رشته مدیریت دولتی، (۲) مدیریت دولتی به عنوان یک حرفه، (۳) دشواری ایجاد چارچوب نظری منسجم، (۴) پیامدهای مرتبط با مبهم بودن این رشته، (۵) فراز و نشیبهای مرتبط با بوروکراسی، سلسله مراتب و روابط ابزاری، و (۶) چالش در مشروعیت سیاسی مدیریت دولتی (مارینی، ۲۰۰۰: ۱۱).

بحران هویت شامل مجموعه‌ای از بحثها و دغدغه‌های اندیشمندان است مبنی بر اینکه رشته مدیریت دولتی قادر به گردآوری پژوهشها و تئوریه‌ها در چارچوبی منسجم از دانش نیست و این پرسش را مطرح می‌کند که: آیا می‌توان مدیریت دولتی را بعنوان یک رشته دانشگاهی منسجم و نسبتاً مستقل از سایر رشته‌ها محسوب کرد؟ (رادشلدن^{۱۷}، ۱۹۹۹: ۲۸۱).

برخی پژوهشگران معتقدند که مدیریت دولتی به دلیل داشتن برخی مشکلات حل نشده مثل "دوگانگی سیاست- اداره" و همچنین وابستگی شدید به تئوریهای سایر رشته‌ها، از نوعی بحران هویت رنج می‌برد (استیلمن^{۱۸}، ۱۹۹۱؛ ایمرت^{۱۹}، ۱۹۸۳؛ موشر^{۲۰}، ۱۹۵۶؛ هارمون و می یر^{۲۱}، ۱۹۸۶). موشر در تأیید وجود چنین بحرانی می‌نویسد: "آیا رشته‌ای به نام مدیریت دولتی وجود دارد؟ اگر وجود دارد پس حوزه، سرفصلها و روشهایش چیست؟ من مطمئن نیستم که بتوان به این پرسش پاسخ داد.... مدیریت دولتی نتوانسته حوزه‌های خاصش را تعریف کند و صرفاً شامل برخی مباحث پیش پا افتاده نظیر دسته‌بندی هزینه‌های بودجه، رویه‌ها و رسم نمودارهای سازمانی می‌شود" (موشر، ۱۹۵۶: ۱۷۷). بعد از گذشت چند دهه از شروع این بحث، استیلمن مطرح می‌کند که ویژگی و مشکل اصلی تئوری مدیریت دولتی حتی در اواخر قرن بیستم این است که نمی‌تواند برای حوزه‌های اصلی و زیرمجموعه‌هایش یک تئوری منسجم ارائه کند (استیلمن، ۱۹۹۱: ۹).

پژوهشگران دیگر نیز با بهره‌گیری از الگوی توماس کوهن^{۲۲} در زمینه پیشرفت علم، بحران هویت را در چارچوب بحران پارادایمی مطرح کرده‌اند (استروم^{۲۳}، ۱۹۷۴؛ گولمبیوسکی^{۲۴}، ۱۹۷۷). استروم مدعی است که مدیریت دولتی به خاطر کثرت تئوریهای رایج و مخاطرات روش‌شناسی و شناخت‌شناسی، با بحران پارادایمی مواجه است (استروم، ۱۹۷۴: ۱۸-۱۴). در این راستا وی بدنبال ایجاد مفهوم وسیع‌تری از عمل جمعی است و اعتقاد دارد که جریان اصلی تئوریهای مدیریت دولتی - از ویلسون تا حداقل سایمون - توجه زیادی را به کارایی فرآیند اداری مبدول داشته و کارایی را از طریق ساز و کارهای تمرکز و کنترل دنبال کرده است. نتیجه این امر ایجاد نوعی بحران فکری در مدیریت دولتی است که نظریه‌پردازان و کارگزاران در برخورد با مشکلات روز افزون احساس می‌کنند. استروم به دنبال نوعی راه‌حل برای خروج از این بحران بوده و این راه‌حل را در تلاشهای نظریه‌پردازان انتخاب عمومی می‌یابد (دنهارت، ۱۳۸۰: ۲۳۸-۲۳۷). گولمبیوسکی (۱۹۷۷) نیز معتقد است که باید به مدیریت دولتی از منظر نوعی حرفه نگرینست نه رشته‌ای که می‌تواند دارای یک پارادایم منحصر به فرد شود.

رشته مدیریت دولتی بخاطر فقدان یک متدولوژی تحقیق منسجم علمی و تجربی نیز مورد انتقاد قرار گرفته است (استالینگ و فریس^{۲۵}، ۱۹۸۸؛ پری و کرامر^{۲۶}، ۱۹۸۶؛ وارت

وکایر^{۲۷}، ۱۹۹۰). برخی دیگر نیز از منظر بحران مشروعیت به موضوع پرداخته و معتقدند که بحران مشروعیت مدیریت دولتی در این حقیقت ریشه دارد که مفاهیم "دموکراسی-کارایی" و "سیاست Ó اداره" بجای اینکه مکملهای ضروری یکدیگر باشند به عنوان دوگانگی در نظر گرفته شده‌اند (مک سوایت، ۱۹۹۷: ۱۴۸). دنهارت نیز نوعی بحران مشروعیت را به تصویر می‌کشد که در آن، مبانی پاسخگوئی به نیازهای بازیگران حوزه مدیریت دولتی (نظریه‌پردازان، کارگزاران و شهروندان) زیر سؤال می‌رود (دنهارت، ۱۳۸۰: ۲۵۳). ونتریس (۱۹۹۱) نیز نتیجه می‌گیرد اگر پژوهشگران مدیریت دولتی در اعتبار بخشیدن به دانش و ایجاد مشروعیت دانشگاهی تلاش نکنند، مدیریت دولتی همچنان از لحاظ فکری به سایر رشته‌ها وابسته باقی خواهد ماند.

اوج بحران فکری مدیریت دولتی را می‌توان دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و با ظهور رویکرد مدیریت دولتی نوین دانست. ایدئولوژی مدیریت دولتی نوین با کاستن از مشروعیت، اخلاقیات و روحیه کارکنان خدمات دولتی باعث ایجاد بحران فکری جدی در رشته مدیریت دولتی شد و برخلاف شکل‌های پیشین بحران فکری که در حوزه دانشگاهی و علمی بحث و حل می‌شد، ریشه بحران اخیر در حوزه عملی خدمات دولتی و نگرش عمومی مطرح شد. حق^{۲۸} معتقد است این بحران در سه شکل عمده ظاهر شده است. اول، بحران باورپذیری که ناشی از کاهش احساس نیاز به رشته مدیریت دولتی است. دوم، بحران هنجاری که بیانگر جایگزینی تدریجی هنجارهای عمومی توسط ارزشهای بازار و مدیریت بخش خصوصی است و سوم، بحران اعتماد به نفس که به کاهش تعهد حرفه‌ای و اعتماد به نفس میان پژوهشگران و کارگزاران مدیریت دولتی اشاره دارد (حق، ۱۹۹۶: ۵۱۳). این سه بحران یکدیگر را تقویت می‌کنند و از ماهیت تئوری انتخاب عمومی، فایده‌گرایی، فردگرایی و بازارمداری نشأت می‌گیرند (حق، ۱۹۹۶: ۵۲۰).

بحرانهای پارادایمی، روش‌شناسی، مشروعیت، باورپذیری، هنجاری و اعتماد به نفس، جنبه‌های مختلف بحران هویت در رشته مدیریت دولتی هستند که موجب بروز مشکلات و چالشهای بنیادین مفهوم‌سازی دانش در رشته گشته‌اند (رادشلدن، ۲۰۰۳: ۱) لذا با اینکه واژه دانش، لغت باب روز مدیریت دولتی شده، بحثهای معاصر نشان‌دهنده درک ضعیف از چگونگی ایجاد و اعتبار بخشی دانش در مدیریت دولتی و تغییر چارچوبهای دانش

مدیریت دولتی در پاسخ به تغییرات ساختاری عمده در الزامات سیاسی است (هس و آدامز^{۲۹}، ۲۰۰۲: ۶۸). این امر موجب شده پژوهشگران مدیریت دولتی در جستجوی پاسخی برای خروج از بحران هویت رشته مدیریت دولتی باشند؛ بخش بعدی مقاله به دسته‌بندی و بررسی این پاسخها می‌پردازد.

تولید دانش در ساختارهای علمی

با توجه به مرتبط بودن بحران هویت با نحوه مفهوم‌سازی دانش در رشته مدیریت دولتی، دسته‌بندی و بررسی پاسخهای ارائه شده به آن، نیازمند شناخت روشهای تولید دانش در ساختارهای علمی است.

در گذشته، رشته‌های مستقل تسلط بسیاری بر ساختار علم داشتند به گونه‌ای که اساس تولید دانش بر مبنای رشته‌های مستقل علمی سازماندهی می‌شد؛ اما امروزه مراکز حمایت‌کننده تولید دانش بر تناسب اجتماعی نتایج پژوهشها تأکید دارند و این مسئله منجر به ظهور موج جدیدی از تحقیقات کاربردی محور شده است. به عبارت دیگر، رشد سیستمهای علمی صرفاً به بعد اندازه محدود نمی‌شود بلکه ساختار، کارکرد، محور تحقیق، الگوهای همکاری و اهداف علمی نیز تغییر یافته است (بس لار، هیمریک^{۳۰}، ۲۰۰۱: ۱). بنابراین امروزه تحقیقات چند رشته‌ای و میان رشته‌ای نیز در ورای مرزهای رشته‌های علمی مستقل در حال توسعه هستند و جزء موضوعات مهم و پیچیده محسوب می‌شوند، چرا که نیاز جامعه مدرن عصر ما به دانش کاربردی در حال افزایش بوده و بکارگیری دانش علمی عموماً نیازمند ترکیب و انسجام دانش در رشته‌های مختلف است.

گیبونز و همکارانش (۱۹۹۴) چنین تغییراتی را بر مبنای دو موج متفاوت تولید دانش تحلیل کرده‌اند و معتقدند تمایز میان دانش‌های تکراررشته‌ای و میان رشته‌ای، محور رویکردشان است. این تمایز را بطور مختصر اینگونه می‌توان بیان کرد که موج اول تولید دانش مبتنی بر رشته تعریف می‌شود که نوعی گرایش آکادمیک در دانش محض دارد و هدف آن، تولید دانش نظری از طبیعت (فیزیکی یا انسانی) است. محور موج اول ایجاد دانشگاههایی است که صرفاً بر مبنای رشته‌های مستقل سازماندهی می‌شوند و بنابراین تشابه، سلسله مراتب و ایستایی نسبی اساس ساختارهای سازمانی آنها است. کنترل کیفیت دانش تولید شده نیز درونی و مبتنی بر بررسی همکاران و نظام انتشار مقاله

است. در مقابل، موج دوم تولید دانش به صورت میان رشته‌ای و کاربردی تعریف می‌شود و صرفاً بر کشف قوانین طبیعت تمرکز ندارد، بلکه بر مطالعه مصنوعات و عملیات نظام‌های پیچیده متمرکز است. سنگ بنای موج دوم بر تنوع و گوناگونی قرار دارد و شامل مجموعه وسیعی از سازمانها و پژوهشگران مختلف می‌شود و تحقیق صرفاً به حوزه دانشگاهی محدود نمی‌شود. سیستم کنترل کیفیت در این موج وسیعتر بوده و صرفاً محدود به بررسی مقالات علمی توسط همکاران نمی‌شود و در برگیرنده معیارهای کاربردی بودن و پاسخگویی اجتماعی نیز است. موج دوم در حال رشد و گسترش است ولی این امر به معنای جایگزین شدن موج اول با این موج نیست، زیرا موج دوم همچنان وابسته بر توسعه دانش رشته‌ای است (گیبونز، لموجز، نووتنی^{۳۱} و همکاران، ۱۹۹۴: ۳-۵).

دانش و تحقیق رشته‌ای را می‌توان حاصل تلاش گروهی از پژوهشگران دانست که در زمینه مشخصی از پرسشهای تحقیقی فعالیت می‌کنند و مجموعه‌ای مشابه از روشها و رویکردهای مشترک مورد استفاده قرار می‌دهند، بنابراین تحقیق رشته‌ای چارچوبی است که حدود و مرزهای رشته را مشخص می‌کند و به دنبال حل یک مشکل متعارف در میان پارادایم است (بس لار، هیمریک، ۲۰۰۱: ۲).

دانش و تحقیق میان رشته‌ای در برگیرنده ترکیب عناصر رشته‌های مختلف و تعامل میان دو یا چند رشته متفاوت است که هدف آن پاسخ به پرسشها و مشکلات عملی است. این تعامل ممکن است گستره‌ای از ارتباطات، مقایسه ایده‌ها، تبادل اطلاعات، روشها و رویه‌های انسجام مفاهیم، تئوریه‌ها و اصول شناخت‌شناسی را در برگیرد. لیکن تشریح بحث میان رشته‌ای تا حدی بخاطر وجود مفاهیم و تفسیرهای مختلف آن - همچون چند رشته‌ای^{۳۲}، میان رشته‌ای^{۳۳} و فرا رشته‌ای^{۳۴} - مشکل است (تامسون، ۱۹۹۰).

تفاوت اصلی بین مفاهیم مختلف میان رشته‌ای در میزان سطح انسجام رشته‌های مختلف نهفته است. بنابراین واژه میان رشته‌ای را می‌توان طیفی از انسجام رشته‌های مختلف در نظر گرفت که شامل مفاهیم ذیل است:

• دانش و تحقیق چند رشته‌ای: موضوع مورد مطالعه از زوایای متفاوتی مورد توجه قرار می‌گیرد و از چشم‌اندازهای رشته‌ای متفاوت استفاده می‌شود ولی در جهت انسجام

یافته‌های بدست آمده از چشم‌اندازهای نظری مختلف تلاشی صورت نمی‌گیرد و بعبارتی پژوهشگران رشته‌های مختلف صرفاً از تئوریا و روشهای سنتی خود برای درک موضوع مورد مطالعه بهره می‌گیرند (بامر^{۳۵}، ۲۰۰۵: ۴).

• دانش و تحقیق میان رشته‌ای: بدنبال ایجاد یک هویت نظری، مفهومی و روش‌شناسانه است. بنابراین نتایج یک مطالعه میان رشته‌ای، منسجم‌تر و مستحکم‌تر از چند رشته‌ای است و پژوهشگران این حوزه سعی می‌کنند نوعی هم‌ذهنی با سایر رشته‌های مرتبط داشته باشند (بس لار، هیمریک، ۲۰۰۱: ۲).

• دانش و تحقیق فرا رشته‌ای: کاربرد قدیمی این واژه را می‌توان در چشم‌انداز میان رشته‌ای فراتئوریک مانند ساخت‌گرایی و مارکسیسم یافت (تامسون، ۱۹۹۰) لیکن مفهوم اخیر دانش فرا رشته‌ای، تنظیم یک چارچوب مفهومی مشترک است که سطح جدیدی از انسجام را برای رشته‌های مختلف ارائه می‌کند (گیبونز، لموجز، نووتنی و همکاران، ۱۹۹۴). این رویکرد که یک گام فراتر از رویکرد میان رشته‌ای است بر مبنای درک نظری مشترک و تعامل شناخت‌شناسیهای رشته‌ای قرار دارد. بنابراین در حالیکه رویکرد میان رشته‌ای را می‌توان ترکیب رشته‌های مختلف با یکدیگر دانست، دانش و تحقیق فرا رشته‌ای بیانگر پیوند دانش رشته‌ای با دانش عملی و تجربی مردم عادی نیز هست که موجب ایجاد چارچوب مفهومی جدیدی می‌شود؛ این دانش صرفاً از گرد هم آوردن افراد متخصص در رشته‌های مختلف ایجاد نشده بلکه مبتنی بر همکاری و ظرفیت‌سازی برای مورد توجه قرار دادن دانش تجربی و عملی متخصصان، حرفه‌ایها و مردم عادی است. بنابراین نکته اساسی در رویکرد فرا رشته‌ای، درک ماهیت زندگی واقعی و سطوح پیچیده آن است (بس لار و هیمریک، ۲۰۰۱: ۲).

تولید دانش مدیریت دولتی

روشهای تولید دانش در ساختارهای علمی، چارچوبی را فراهم می‌آورد تا به بررسی تلاشهای گسترده و متنوع پژوهشگران در زمینه تولید دانش مدیریت دولتی و همچنین راه‌حل‌های آنها برای رفع بحران هویت در این رشته بپردازیم. این راه‌حل‌ها را می‌توان در چهار دسته کلی ذیل تقسیم‌بندی کرد:

! راه‌حل‌های رشته‌ای

! راه‌حل‌های چند رشته‌ای

! راه‌حل‌های میان رشته‌ای

! راه‌حل‌های فرا رشته‌ای

راه‌حل‌های رشته‌ای (تک رشته‌ای)

اولین مثال در رابطه با راه‌حل‌های رشته‌ای مربوط به ودرویلسون است که معتقد بود اجرای قانون در مقایسه با تدوین آن دشوارتر است (ویلسون، ۱۸۸۷: ۲۰۰)، وی از طریق بیان مشکلات فزاینده‌ای که نهادهای دولتی با آن روبرو هستند مبنایی را برای مطالعه مستقل مدیریت دولتی فراهم می‌آورد. ویلسون با تفکیک سیاست از اداره بیان داشت که خط‌مشی‌های عمومی باید در حوزه سیاسی تدوین و در حوزه اداره اجرا شوند و اداره دولتی شامل اجرای دقیق و منظم قوانین دولتی می‌شود (ویلسون، ۱۸۸۷: ۲۱۰). آثار ویلسون و سایر اندیشمندان همچون لئونارد وایت^{۳۶} و لوترگیولیک^{۳۷} در زمینه جدایی سیاست و اداره را می‌توان مبنای مهمی برای ایجاد رشته دانشگاهی و مطالعاتی مستقل مدیریت دولتی دانست. ولیکن مطالعات بعدی، دیدگاه ویلسون را با چالش‌هایی روبرو ساخت و دیدگاه مشارکت مدیران دولتی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری در مجموعه‌ای از آثار پل اپل بای^{۳۸} مطرح شد. وی مدعی بود که مدیران دولتی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری از جهات مختلفی بخصوص در اعمال صلاح‌دید اداری تأثیرگذار هستند. به زعم وی "مدیریت دولتی یعنی خط‌مشی‌گذاری" (اپل بای، ۱۹۴۹: ۱۷۰).

مثال دوم از راه‌حل‌های رشته‌ای، مربوط به استروم در خصوص بحران هویت به عنوان یک بحران پارادایمی است که وی آنرا از طریق طرح‌ریزی مجدد مطالعه مدیریت دولتی به عنوان "علم روابط" حل می‌کند (استروم، ۱۹۷۴: ۱۰۷). استروم به ارزشهای بنیادین سیاسی و اجتماعی توجه کرده و به درک رابطه بین این ارزشها و نهادهای دولتی و همچنین بسط هنجارهای دموکراتیک در عملیات سازمانهای دولتی می‌پردازد، لیکن به نظر می‌رسد مبانی روش‌شناسی وی از بسط تحلیلهای مورد نظر و دلخواهش جلوگیری می‌کند، زیرا استروم راه‌حل بحران هویت را در کار نظریه‌پردازان

انتخاب عمومی جستجو می‌کرد (دنه‌ارت، ۱۳۸۰: ۲۳۷). این موضوع را می‌توان با مرور مفروضه‌های تئوری انتخاب عمومی درک کرد:

۱- فردگرایی روش شناختی: پدیده‌های اجتماعی چیزی نیستند جز مجموعه‌ای از افراد که با هم روابط خاص دارند.

۲- انسان اقتصادی: افراد بطور عقلایی از میان گزینه‌های مختلف دست به انتخاب می‌زنند و کاملاً تحت تأثیر انگیزه‌های شخصی خویش هستند.

۳- سیاست به منزله مبادله: همانطور که افراد با ورود خود به بازار در پی نفع شخصی خود هستند و هیچ تلاش آگاهانه‌ای برای ارتقاء منافع جامعه نمی‌کنند، لذا دلیلی هم ندارد (آنطور که کلاسیکها فرض می‌کنند) در سیاست برای خوبی و درستی مشارکت کنند. نکته مهم این است که تفاوت بین بازار و سیاست در نوع منفعتی که افراد دنبال می‌کنند نیست، بلکه تفاوت در شرایطی است که تحت آن منافع مختلف تعقیب می‌شود. در واقع، منفعی وجود دارد که به طور کارآمد از طریق مبادله ساده بازاری قابل دستیابی نیست و مستلزم ساختارهایی است که افراد در قالب آنها بتوانند به طور جمعی منافع شخصی‌شان را تعقیب کنند. در بازار، افراد سبب را با پرتقال مبادله می‌کنند ولی در سیاست، افراد سهم‌های مورد توافقشان (درباره مشارکت در هزینه کالاهایی که مطلوبیت مشترک دارد) را مبادله می‌کنند (بوکانن^{۳۹}، ۱۹۸۷).

در زمینه نتایج منفی راه‌حل استروم، می‌توان به بحرانهای عدم باورپذیری، اعتماد به نفس و هنجاری در مدیریت دولتی اشاره کرد که توسط حق (۱۹۹۶) در مورد عصر خصوصی‌سازی بیان گردیده و عمده‌ترین علت آنها مفروضات تئوری انتخاب عمومی است.

مثال سوم از راه‌حل‌های رشته‌ای، مفهوم گولمبیوسکی (۱۹۷۷) از آینده مطالعه مدیریت دولتی به عنوان خانواده‌ای از کوچک پارادایمهاست. بزعم وی اگر نگوییم ظهور پارادایم در حوزه مدیریت دولتی غیر ممکن است، می‌توان گفت که هنوز به کمال نرسیده، چون هیچ گونه نظریه‌ای وجود ندارد که بتواند به طور اثربخش مطالعه سازمانهای دولتی را منسجم و در یک راستا قرار دهد. در بلندمدت هم ممکن است چنین چیزی غیر ممکن باشد زیرا مدیریت دولتی ممکن است نوعی حوزه حرفه‌ای تصور شود نه رشته‌ای که می‌تواند دارای یک پارادایم منحصر به فرد شود. وی مدعی است که دانشمندان به

جای اینکه وقت خود را صرف ایجاد یک پارادایم غیر ممکن کنند، باید بر ایجاد کوچک پارادایمها متمرکز شوند، و امیدوار باشند که این مطالعات مستقل نهایتاً محوری را تعریف کنند. گولمبیوسکی روش آزمایشگاهی در توسعه سازمان را به عنوان محور آغازین مطالعه مدیریت دولتی تصور می‌کند. اما این ایده مشکلات زیادی به دنبال دارد. یکی از این مشکلات، ناتوانی در تبیین و روشن کردن نحوه تکامل دانش علوم اجتماعی است. در حقیقت وی با تغییر شکل دیدگاه کوهن، آنچه را که مورد نظر خود بوده ارائه می‌دهد و بنابراین در بررسی تئوریهای سازمان دولتی، الگویی از تدوین تئوریها پدید می‌آورد که در آن، دیدگاههای مختلف به جای تکمیل کردن یکدیگر، در یک فرآیند دیالکتیکی در مقابل هم قرار می‌گیرند. نکته دیگر اینکه حتی در میان مفسران نظریات کوهن، در مورد اینکه آیا تاکنون هیچ یک از نظریات علوم اجتماعی توانسته‌اند حول یک محور علمی خاص شکل بگیرند توافقی بوجود نیامده است. این امر نکته مهمی را که گولمبیوسکی نادیده گرفته است، آشکار می‌کند؛ اینکه پارادایم صرفاً یک تئوری نیست بلکه اساساً یک رویکرد، یک مدل یا یک الگوی فعالیت است که به عنوان نمونه مورد استفاده دیگران قرار می‌گیرد. توافق روی یک پارادایم ممکن است شامل توافق روی یک تئوری جامع باشد یا نباشد و بیشتر دلالت بر نوعی توافق بین اعضاء جامعه علمی در مورد پرسشهای مناسبی که باید پرسیده شود و راههای مناسبی که برای پاسخ به آنها در پیش گرفته شود، دارد (دنهارت، ۱۳۸۰: ۱۷۲-۱۷۱).

مثال چهارم از راه‌حلهای رشته‌ای، پژوهشگرانی هستند که طرفدار وحدت دانش از طریق یک مفهوم یا تئوری خاص هستند. مثلاً داگلاس نورث^{۴۰} معتقد است که تئوری هزینه تبادلات^{۴۱} می‌تواند مبنای وحدت بخشی برای سازماندهی مجدد علوم اجتماعی در قرن بیست و یکم باشد (نورث، ۱۹۹۹: ۳۱۵) و همچنین در مدیریت دولتی نیز هربرت سایمون^{۴۲} محقق است که بدنبال ایجاد وحدت بود. همه این پژوهشگران رویکرد علوم طبیعی را مدنظر دارند.

راه‌حلهای چند رشته‌ای

بهترین مثال از راه‌حلهای چند رشته‌ای برای رفع بحران هویت مدیریت دولتی، آثار والدو است. وی معتقد است که مدیریت دولتی بر مبنای رشته‌هایی چون علوم سیاسی، روانشناسی اجتماعی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و مدیریت بازرگانی بنا شده و با توجه به اینکه معتقد است ماهیت و مرزهای مطالعه مدیریت دولتی بحث‌برانگیز است؛ لذا پیشنهاد می‌کند که مدیریت دولتی باید به عنوان حرفه در نظر گرفته شود (والدو، ۱۹۶۸). وی در این راستا مدیریت دولتی را با حوزه پزشکی قیاس می‌کند و مدعی است هیچگونه تئوری واحد و جامعی از بیماری یا سلامتی وجود ندارد، تئوریه‌ها و تکنولوژیهای آنها پیوسته در حال تغییرند و با توجه به ناشناخته‌های زیاد در این حوزه، بر سر مسائل پزشکی بحث و جدل زیادی وجود دارد. سلامتی مانند مدیریت خوب قابل تعریف نیست ولی دانشگاه‌های پزشکی با استفاده از رشته‌های مختلف به آموزش پزشکان می‌پردازند. وی مدعی است که برنامه‌های آموزشی مدیریت دولتی نیز باید بر اساس رشته‌های مختلف صورت گیرد و مسئله ایجاد یک تئوری واحد در مورد سازمانهای دولتی مطرح نیست. متأسفانه این دیدگاه از احتمال و امکان تدوین یک تئوری جامع و منسجم از سازمانهای دولتی و همینطور امکان اینکه تئوری بتواند بطور کامل با منافع و محورهای مورد توجه کارگزاران سازگار شود، جلوگیری می‌کند. از دیدگاه کارگزار اداری، هیچ یک از تئوریهای سیاسی و سازمانی نمی‌توانند مستقیماً دنیای واقعی را منعکس کنند و به پرسشهای خاصی که مدیران دولتی با آن مواجه می‌شوند، پاسخ دهند. مسئله بعدی، مشکل نظری تلفیق و تطبیق نظریه‌هایی است که از چشم‌اندازهای مختلف مطرح می‌شوند. برای مثال آیا امکان دارد توجه تئوری سیاسی به برابری و توجه تئوری سازمان به سلسله مراتب و کنترل، با هم جمع شوند؟ (دنهارت، ۱۳۸۰: ۱۹۱).

راه‌حلهای میان رشته‌ای

در مورد راه‌حلهای مرتبط با دانش میان رشته‌ای مدیریت دولتی، شاهد تلاشهایی از سوی پژوهشگران مدیریت دولتی و همچنین سایر رشته‌ها بوده‌ایم که سعی کرده‌اند با بهره‌گیری از دانش دیگر رشته‌ها، درک خود از موضوع مورد بررسی‌شان در مدیریت دولتی را ارتقاء دهند. پژوهشگرانی در مدیریت دولتی بوده‌اند که همزمان به

مطالعه الهیات (مانند لوئیس گاثروپ^{۴۳})، حقوق (مانند جان رور^{۴۴})، اخلاق (مانند گولمبیوسکی، جان راولز^{۴۵} و کاترین دنهارت)، جامعه‌شناسی (مانند ماکس وبر و اریون وایت^{۴۶})، اقتصاد (مانند هربرت سایمون و وینسنت استروم)، علوم‌سیاسی (مانند هربرت سایمون، جورج فردریکسون^{۴۷} و والدو)، تاریخ (کامیلا استیورز^{۴۸}) و فلسفه (مانند لاری تری و تری کوپر^{۴۹}) پرداخته‌اند.

عموماً در مدیریت‌دولتی، تحقیق میان رشته‌ای محدود به تلاشهای فردی است و تلاشهای نظام‌مند بسیار کمی برای شناسایی تأثیر تئوری و روشهای یک رشته بر رشته دیگری صورت گرفته و تبادل دانش میان رشته‌های مختلف بسیار کم است، به هر حال این تحقیقات به همراه درک نقش دولت در جامعه، بستر مناسبی را برای ایجاد انسجام تفکیکی [چارچوبی جامع و در عین حال متمایز] در حوزه دانش و تحقیق فرارشته‌ای مدیریت‌دولتی فراهم کرده‌اند (رادشلدرز، ۲۰۰۳: ۲۲).

راه‌حلهای فرارشته‌ای

پاسخهای فرارشته‌ای پژوهشگران مدیریت‌دولتی به بحران هویت را می‌توان بر اساس دسته‌بندی هیگن بوسام^{۵۰} و همکارانش (۲۰۰۱) مورد بررسی قرار داد. به زعم آنها دو روش کلی فرارشته‌ای برای ایجاد چارچوب مفهومی مشترک وجود دارد که عبارتند از:

۱) تبیین جامع موضوعات پیچیده از طریق سنتز چشم‌اندازهای موجود در رشته‌های مختلف

۲) ترکیب منابع اطلاعاتی رشته‌های مختلف از طریق تشکیل تیم‌های حل مسئله در مورد روش اول می‌توان به آثار و پژوهشهایی اشاره کرد که هدفشان تحلیل محتوای مطالعات مدیریت‌دولتی از چشم‌اندازهای مختلف است. کتاب روزنبلوم (۲۰۰۲) تحت عنوان "مدیریت‌دولتی: درک مدیریت، سیاست و حقوق در بخش دولتی"، نمونه مناسبی است که از طریق روش اول به بررسی مدیریت‌دولتی پرداخته است.

روش دوم که ایجاد چارچوب مفهومی مشترک از طریق دانش فرارشته‌ای است را می‌توانیم با روش انسجام تفکیکی استدلالی^{۵۱} که توسط رادشلدرز (۲۰۰۳) بیان شده

معادل فرض کنیم. وی بیان می‌دارد که انسجام تفکیکی استدلالی بر گفتمان تأکید دارد و در حالت ایده‌آل، شامل تبادل آزادانه ایده‌ها و اشتراک دانش در یک گروه از پژوهشگران می‌شود که تمایل و توانایی فراتر رفتن از محدودیتها و ماسکهای سازمانی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی را دارند و به شایستگی دیگر رویکردها نیز توجه می‌کنند. هدف این تعامل ایجاد یک فرا چارچوب برای درک دولت است که اندیشمندان و دانشجویان مدیریت دولتی را قادر می‌سازد بین بخشهای ظاهراً مجزای اطلاعاتی انسجام ایجاد کنند و بتوانند به طور نظام‌مند با سایر رویکردها تعامل داشته باشند. این نوع از انسجام در یک گروه متعامل و پویا بهترین نتایج را در بردارد، به گونه‌ای که به همه افراد با هر نوع ایده‌ای در حوزه مطالعات مدیریت دولتی اجازه و فرصت برای مشارکت داده می‌شود (رادشلدرز، ۲۰۰۳: ۲۴-۲۵). مثال مناسب برای روش دوم، کنفرانس مینووبروک است ولیکن چون صرفاً به مشارکت اندیشمندان علوم سیاسی و مدیریت دولتی محدود بود، با وجود اینکه نتیجه‌اش در تألیفاتی همچون "چشم‌انداز مینووبروک" منتشر شد؛ لیکن منجر به ایجاد فرا چارچوبی قابل پذیرش نشد و هیچ‌گونه رویکرد خاصی برای درک سازمانهای دولتی ارائه نکرد که بتواند الگوی موجود درون حوزه را مورد چالش قرار دهد. بنابراین به نقاط مشکل‌زای رویکردهای موجود نیز پاسخی داده نشد (دنهارت، ۱۳۸۰: ۱۷۵-۱۷۳).

نتیجه‌گیری و بحث

نگرشهای رشته‌ای، پارادایمی و سایر رویکردهایی که بر ایجاد وحدت به منظور مشروعیت بخشیدن به رشته مدیریت دولتی تأکید دارند [همانگونه که در بررسی راه‌های رشته‌ای مشاهده شد] همواره منجر به تداوم بحران هویت در این رشته خواهند شد. بنابراین مطالعه مدیریت دولتی به این صورت، منجر به ایجاد یک رشته مطالعاتی واحد و مستقل نخواهد شد؛ سایر بخشهای علوم اجتماعی نیز به سختی می‌توانند این امر را برآورده سازند، چرا که در علوم اجتماعی همیشه تفاسیر مختلف وجود داشته و رشته‌های مطلق و بسیار دقیق در آن توسعه نخواهند یافت. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که انسجام رشته صرفاً به معنای ایجاد یک چارچوب واحد

و مستقل دانش نیست، بلکه به فرآیند مستمر تعامل میان رویکردهای متنوع و مستقل جهت درک بهتر جنبه‌های واقعیت اداری اشاره دارد (رویتگر، ۱۹۹۸: ۵۶۲).

بنابراین با درک این نکته که مسئله اصلی مدیریت دولتی، انسجام بخشیدن به رویکردهای مختلف در خصوص اداره است، موج دوم تولید دانش یا همان نگرش میان رشته‌ای، ارزش بسیاری برای مفهوم‌سازی و هویت بخشیدن به مدیریت دولتی دارد، زیرا این رویکرد صرفاً به محتوا اشاره ندارد بلکه بر فرآیند ترکیب منسجم دانش نیز تأکید می‌کند (تامپسون و کلین، ۱۹۹۰: ۱۸۸).

البته برخی از پژوهشگران به انتقاد از مطالعات میان رشته‌ای پرداخته و در مقایسه با مطالعات تک رشته‌ای، آنرا مفهومی مبهم و فاقد انسجام فکری می‌دانند (مایزنز، ۱۹۹۴). دلایل چنین انتقادهایی را می‌توان در وجود تفاسیر مختلف از مطالعات میان رشته‌ای دانست. همانگونه که مطرح شد، مطالعات میان رشته‌ای از نظر انسجام بر روی یک طیف قرار دارند. در یک سوی طیف، دانش میان رشته‌ای صرفاً به معنای انتقال و ترجمه مفاهیم از یک چارچوب مفهومی به چارچوب دیگر، معادل با واژه چند رشته‌ای است. در سوی دیگر طیف، دانش میان رشته‌ای به معنای ایجاد مفاهیم جدید و معادل با واژه فرا رشته‌ای است. تامسون و کلین در پاسخ به این انتقادات بیان می‌دارند که مطالعات میان رشته‌ای را باید معادل با انسجام بکار برد (تامسون و کلین، ۱۹۹۰: ۱۵).

اهمیت بحث فوق زمانی آشکارتر می‌شود که ماهیت بحرانهای معاصر مدیریت دولتی بخصوص بحران باورپذیری مطرح شده توسط حق (۱۹۹۶) را نیز مورد توجه قرار دهیم. وی این بحران را به دلیل تسلط هنجارهای بازار بر عمل مدیریت دولتی و در نتیجه کاهش احساس نیاز جوامع امروزی به رشته مدیریت دولتی می‌داند (حق، ۱۹۹۶: ۵۲۰). این در حالی است که گزارشهای سازمانهای بین‌المللی بیانگر نیاز شدید جامعه انسانی به رشته‌هایی است که قابلیت حل مشکلات پیچیده آنها را داشته باشد. به عنوان مثال، گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۲ بیانگر ده عامل خطرناک همچون استعمال دخانیات، عدم امنیت جنسی، سطوح بالای کلسترول و کمبود آهن است که موجب یک سوم مرگ و میر در جهان می‌شوند ولی با وجود شناخته شده بودن این مشکلات به

نظر می‌رسد جامعه بشری از ارائه راه‌حلهای جامع و مناسب در این خصوص ناتوان است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴).

همچنین با وجود انجام پژوهشهای دانشگاهی و کسب دستاوردهایی در زمینه توسعه پایدار باید گفت چنین پژوهشهای تأثیر کمی بر خطمشی‌های دولت، تجارت و یا دیگر فعالیتهای جامعه در کشورهای مختلف جهان داشته است (انجمن تحقیقات توسعه پایدار، ۱۹۹۹).

یونسکو^{۵۲} (۱۹۹۹) در گزارش خود بر این نکته تأکید دارد که امروزه رابطه میان پژوهش علمی، آموزش، نوآوری در فناوری و منافع علمی بیش از پیش متنوع و پیچیده شده و علاوه بر پژوهشگران، بازیگران دیگری نیز در این حوزه وارد شده‌اند. بنابراین پیشرفت علم نمی‌تواند صرفاً بر اساس پژوهش برای تولید دانش محض توجیه شود بلکه باید بتواند در برآوردن نیازها و انتظارات جوامع گامی مؤثر بردارد (یونسکو، ۱۹۹۹).

موارد فوق یادآور این سخن از والدو است که می‌گوید "هیچ رشته‌ای بی‌ارتباط با رشته اداره [مدیریت دولتی] نیست و مطالعه اداره نیز با همه رشته‌ها در ارتباط است" (والدو، ۱۹۶۵: ۵۷). همچنین این امر متناسب با تعریف دنهارت از مدیریت دولتی است که آنرا به عنوان مدیریت فرآیندهای تغییر در جهت تحقق ارزشهای اجتماعی می‌داند. چنین تعریفی بیانگر این است که ماهیت رشته مدیریت دولتی فراتر از تلاقی چند رویکرد نسبت به مطالعه و عمل است (دنهارت، ۱۳۸۰: ۲۸).

این مقاله زمینه‌ای را فراهم آورد تا دانشجویان مدیریت دولتی با بحرانهایی که در رشته خود با آن مواجه بوده و هستند بیشتر آشنا شوند؛ همچنین با ارزیابی پاسخهای ارائه شده، این نکته را به پژوهشگران مدیریت دولتی یادآور می‌شود که با شناخت موج دوم تولید دانش و نیازهای پیچیده جامعه معاصر، می‌توانند اقدامات مؤثر و با ارزش‌تری در زمینه هویت بخشی به رشته مدیریت دولتی انجام دهند. در این دیدگاه، انسجام رشته صرفاً به معنای یک چارچوب واحد و مستقل دانش نیست بلکه به فرآیند مستمر تعامل میان رویکردهای متنوع و تفکیک شده جهت درک بهتر جنبه‌های واقعیت اداری اشاره دارد. بنابراین بررسی راه‌حلهای ارائه شده در این چارچوب، نشان می‌دهد که نگرش فرا رشته‌ای تولید دانش در مدیریت دولتی با درک نظری مشترک و تعامل

شناخت‌شناسی‌های رشته‌ای و درک ماهیت زندگی و سطوح پیچیده واقعیت‌های آن، می‌تواند چارچوبی مناسب برای هویت بخشیدن به رشته مدیریت دولتی فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Fay
- 2- Hughes
- 3- Denhardt
- 4- Woodrow Wilson
- 5- Max weber
- 6- Peters
- 7- Harmon
- 8- New Public Administration (NPA)
- 9- New public Management (NPM)
- 10- Henderson
- 11- Minnowbrook
- 12- Syracuse
- 13- Frank Marini
- 14- New Institutional economics
- 15- Aucoin
- 16- Goldsmith & page
- 17- Raadschelders
- 18- Stillman
- 19- Emmert
- 20- Mosher
- 21- Harmon&Mayer
- 22- Thomas Kuhn
- 23- Ostrom
- 24- Golembiewski
- 25- Stallings&Ferris
- 26- Perry&Kraemer
- 27- Wart&Cayer
- 28- Haque
- 29- Hess & Adams
- 30- Besselaar & Heimeriks
- 31- Gibbons, Limoges , Nowotny
- 32- Multidisciplinarity
- 33- Interdisciplinarity
- 34- Transdisciplinarity
- 35- Bammer
- 36- Leonard White
- 37- Luther Gulick
- 38- Paul Appleby
- 39- Buchanan
- 40- Douglass North
- 41- Transaction cost theory
- 42- Herbert Simon
- 43- Louis Gawthrop
- 44- John Rohr
- 45- Hohn Rawls
- 46- Orion White
- 47- George Frederickson
- 48- Camilla Stivers
- 49- Larry Terry & terry Cooper
- 50- Higginbotham
- 51- Discursive differentiated integration
- 52- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organisation (UNESCO)

منابع فارسی

دنه‌ارت، رابرت بی. (۱۳۸۰). *نظریه‌های سازمان دولتی*، ترجمه سید مهدی الوانی، حسن دانائی فرد، تهران: صفار.

فی، برایان. (۱۳۸۴). *فلسفه امروزی علوم اجتماعی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
هیوز، آون. (۱۳۸۰). *مدیریت دولتی نوین*، ترجمه سیدمهدی الوانی، خلیلی شورینی، معمار زاده، تهران: مروارید.

منابع لاتین

- Appleby, Paul. (1949). **policy and administration** ,Tuscaloosa:University of Alabama Press.
- Aucoin, P.(1990). Administrative reform in public management: paradigms, principles, paradoxes, pendulums, **Governance**, vol.3, No.2: 115-137.
- Bammer, G. (2005). Integration and Implementation Sciences: building a new specialization, **Ecology and Society**, Vol.10, No.2.(Online.) URL: <http://www.nap.edu/books/0309067839/html/>.
- Besselaar ,Peter, Heimeriks, Gaston. (2001). **Disciplinary, Multidisciplinary, Interdisciplinary- Concepts and Indicators**,The 8th conference on Scientometrics and Informetrics,Sydney. Australia. (Online.) URL: hes.science.uva.nl/usr/peter/publications/2001issi.pdf.
- Board on Sustainable Development, Policy Division, National Research Council. (1999). **Our common journey: a transition toward sustainability** ,National Academy Press, Washington, D.C., USA.(Online.) URL: <http://www.nap.edu/books/0309067839/html/>.
- Buchanan,James. (1987). **From private preferences to public philosophy: The development of public choice** , in james Buchanan,The Economics of Politics,London: Institute of Economic Affairs.
- Emmert, Mark. (1983). Public Administration Scholars and Scholarship: Kahunas, Comers and Commoners, **Public Administration Quarterly**, Vol. 7, No.2: 241-255.
- Frederickson, H. George. (2004). **Whatever happened to public administration? Governance , governance governance everywhere**, Governance Series, Queen's University.
- Gibbons, Michael,etal. (1994). **The new production of Knowledge**. London, Sage.

- Goldsmith, M.J. , Page, E.C. (1997). Farewell to the British state? ,In J.E. Lane (ed.), **Public sector reform: Rationale, trends and problems**. London: Sage.
- Golembiewski, Robert T. (1977), **Public Administration as a Developing Discipline: Part 2, Organization Development as a One of a Future Family of Miniparadigms**, New York: Marcel Dekker.
- Harmon, M.M., Mayer, R.T. (1986), **Organization theory for public administration**, Boston: Little ,Brown.
- Haque ,M. Shamsul(1996), The Intellectual Crisis in Public Administration in the Current Epoch of Privatization, **Administration & Society**, Vol.27, No.4: 510-536.
- Henderson, Keith M.(2005), Shrinking the administrative state :new public management before and after 9/11, **Revista De Ciencia Política**, Vol 25, No 1:271-279.
- Hess, M. Adams, David. (2002), Knowing and skilling in contemporary public administration, **Australian Journal of Public Administration**, Vol.61, No.4: 68-79.
- Hood, C.(1991), Public management for all seasons, **public administration**, Vol.69:3-19.
- Higginbotham, N., Albrecht, G., Connor, L.(2001), **Health social science. A transdisciplinary and complexity perspective**, Oxford University Press, Melbourne, Australia.
- Lan, z., Rosenbloom, David H.(1992), Editorial, **Public Administration Review**, Vol.52, No.6: 535-537.
- McSwite, O.C. (1997), **Legitimacy in Public Administration. A Discourse Analysis**, Thousand Oaks, London, New Delhi: Sage Publications.
- Mainzer, L.C.(1994), public administration in search of theory: the interdisciplinary delusion, **Administration & society**, Vol.26: 359-394.
- Mosher, Frederick C. (1956), Research in Public Administration: Some Notes and Suggestions, **Public Administration Review**, Vol.16, No.3: 169-178.
- North, Douglass C. (1999), In Anticipation of the Marriage of Political and Economic Theory, In Alt, James E., Margaret Levi, Elinor Ostrom (eds.). **Competition and Cooperation. Conversations with Nobelists about Economics and Political Science**. New York: Russell Sage Foundation: 314-317.

- Osborne, D. & T. Gaebler (1992), **Reinventing Government**, Penguin Books.
- Ostrom, Vincent (1974), **The Intellectual Crisis in American Public Administration**, The University of Alabama Press.
- Perry, J.L. & Kraemer, K.L. (1986), Research methodology in the Public Administration Review 1975-1984, **Public Administration Review**, Vol.46, No.3: 215-226.
- Peters, B. Guy (2002), The changing nature of public administration: from easy answers to hard questions, **Asian journal of public Administration**, Vol.24, No.2: 153-183.
- Pollit, Ch. (1990), **Managerialism and the public service: The Anglo-American experience**, Oxford: Basil Blackwell.
- Raadschelders, Jos C.N. (1999), A coherent framework for the study of public administration, **Journal of Public Administration Research and Theory**, Vol.9, No.2: 281-303.
- Raadschelders, Jos C.N. (2003), **Time to Move On or Beyond The Grand Phases in the Discourse about Government: Changing Masks for Understanding the Unlimited Boundaries of Administration**, Annual Conference of the Public Administration Theory Network, Anchorage, Alaska. URL: www.patnet2003.alaska.edu/pdf/papers/Raadschelders.pdf
- Rosenbloom, David H., Kravchuck, Robert (2002), **Public Administration: Understanding Management, Politics and Law in the Public Sector**, 5th edition, New York: McGraw-Hill.
- Rutgers, Mark R. (1998), Paradigm lost: crisis as identity of the study of public administration, **International Review of Administration Sciences**, Vol.64, No.4: 553-564
- Savas, E.S. (1987), **Privatization: The key to better government**, Chatham, NJ: Chatham House.
- Stalling, R.A. & Ferris, J.A. (1988), Public administration research: work in PAR 1940-1984, **Public Administration Review**, Vol.48, No.1: 580-587.
- Stillman, Richard J. (1991), **A Preface to Public Administration: A Search for Themes and Direction**, New York: St. Martin's Press.
- Thompson, Klein, Julie (1990), **Interdisciplinarity – history, theory, end practice**, Detroit: Wayne State University Press.
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organisation (UNESCO) (1999), **Introductory note to the Science Agenda—a framework for**

- action**, in UNESCO World Conference on Science. Science for the 21st Century: a new commitment. UNESCO, Budapest, Hungary.
- Ventriss, C. (1991), Contemporary issues in American public administration education: the search for an educational focus, **Public Administration Review**, Vol.51, No.1: 4-14.
- Waldo, Dwight. (1968), **The Scope of Theory of Public Administration**, In Theory and Public Administration: Scope, Objectives and Methods, Ed. James C. Charlesworth. Philadelphia: The American Academy of Political and Social Science: 1-26.
- Waldo, Dwight (1965), **The Study of Public Administration**, New York: Random House.
- Wart, M.V. & Cayer, N.J. (1990), Comparative public administration: Defunct, dispersed, or redefined?, **Public Administration Review**, Vol.50, No.2: 238-248.
- Wilson, W. (1887), The study of administration, **Political Science Quarterly**, Vol.2: 197-222.
- World Health Organization (2002), **Reducing risks, Promoting healthy life, World Health Report 2002**, World Health Organization, Geneva, Switzerland. (Online.) URL: <http://www.who.int>
- World Health Organization (2004), **World Report on Knowledge for Better Health. Strengthening health systems**, World Health Organization, Geneva, Switzerland. (Online.) URL: <http://www.who.int/rpc/meetings/pub1/en/>.